

نقش جهانی شدن و هویت اسلامی در جنبش های اسلامی منطقه

* فرهاد حصاری

E-mail: f.hesary@yahoo.com

** عزالدین نوری

E-mail: nezedin556@yahoo.com

*** اششین منوچهرآبادی

E-mail: afshin.biseton@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۲۸

چکیده

ویژگی عمده و اساسی دوران معاصر چالش های بنیادین ناشی از تهاجم فرهنگ و تفکر مدرن غربی به جهان اسلام بوده است. جهان اسلام همانند دیگر مناطقی که در طول دوره استعمار تحت سیطره و تسلط غربیان قرار گرفتند، چنین چالش هایی را در دو سده اخیر تجربه کرده است. این امر سبب شد تا بخش قابل توجهی از اندیشمندان جوامع اسلامی مجذوب دنیای غرب مدرن گشته و پیروی از دنیای غرب را در نظر و عمل مطرح سازند. از سوی دیگر عده ای از متفکران و مسلحان مسلمان در مخالفت با غرب و با طرح ایده بازگشت به خویشترن، حرکت هایی را ساماندهی نمودند.

مطالعه حاضر با استفاده از روش پیمایش به بررسی تأثیر متغیرهایی مانند خودباوری فرهنگ اسلامی و جهانی شدن آن، الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران، ناکارآمدی دولت های دست نشانده و وابسته به غرب، گسترش ارتباطات میان بخش های از هم جدا افتاده امت اسلامی بر جنبش های اسلامی منطقه پرداخته است. با توجه به جامعه آماری پژوهش، نمونه ای به تعداد ۲۸۴ نفر تعیین و با استفاده از ابزار پرسشنامه، بعد از جلب نظر و موافقت کاربران اینترنتی از کشورهای چهارگانه مصر، لیبی، یمن و بحرین از هر کشور به تعداد ۹۶ نمونه تکمیل گردید. برای سنجش پایایی و اعتبار پژوهش به ترتیب از روش های کرونباخ و اس.اچ لاوشه استفاده شده و در پایان، آمار استنباطی و تحلیل فرضیات و سپس نتیجه گیری صورت گرفته است. هدف مطالعه حاضر بررسی نقش جهانی شدن و هویت اسلامی در جنبش های اسلامی مصر، لیبی، یمن و بحرین از دیدگاه جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله (کاربران اینترنتی) کشورهای یاد شده می باشد.

کلید واژه ها: جهانی شدن، هویت اسلامی، جنبش، خودباوری فرهنگی، انقلاب اسلامی.

* کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، باشگاه پژوهشگران جوان، کرمانشاه، ایران، نویسنده مسئول

** کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

*** کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

۱. طرح مسئله

هویت اسلامی ریشه در صدر اسلام، شخص پیامبر(ص)، آیین وی، قرآن کریم و نیز اهل بیت(ع) او دارد و امری رسوب کرده و نهادینه شده در نهاد مسلمانان است (عنایت، ۱۳۸۱: ۳۴) و دنیای اسلامی که امروز، به کانون هراس و جبهه چالش آفرین دنیای جهان‌گرای کنونی تبدیل شده است، تنها آن چیزی که ما برداشت کرده‌ایم یعنی مسلمانان و جامعه اسلامی نیست، بلکه طرز تفکر و روش حاکم بر تفکر دینی و اسلامی هم هست که همیشه می‌تواند برای غرب در راه رسیدن به استیلای فرهنگی مشکل‌ساز و خطرآفرین باشد. در سده گذشته و در اثر سیاست‌های غربی و همسو با جهانی‌شدن شاهد جدایی امت اسلامی و انحراف اهداف و تضعیف هویت اسلامی در برخی کشورها هستیم (ولایتی، ۱۳۸۵: ۳۶).

در این خصوص می‌توان گفت که هر چند هویت‌ها امری زوال‌پذیر تلقی می‌شوند، اما همواره عناصری از هویت‌های غالب به‌رغم دگرگونی هویت انسان‌ها در نهاد انسان‌ها باقی می‌ماند. هویت‌های تثبیت شده به گذشته و سنت یک جامعه تعلق دارند و در صورت به چالش کشیده شدن هر چند از ضمیر خودآگاه انسان‌ها حذف می‌شوند اما ریشه‌های آن را می‌توان در نهاد انسان‌ها جستجو کرد. در چنین وضعیتی می‌توان از هویت‌های اصیل در برابر هویت‌های غیراصیل سخن گفت. اسلام دینی است که براساس فطرت پاک انسانی بنا شده است. از این‌رو یک مسلمان گرایش طبیعی به آن را در وجود خویش احساس می‌کند و هویت اسلامی را می‌توان هویتی ریشه‌دار در انسان‌ها دانست که جهانی‌شدن و پیامدهای منفی آن تأثیر چندانی بر آن نداشته است (هینس، ۱۳۸۱: ۶۸).

برخلاف این دیدگاه برخی معتقدند جهانی‌شدن، تعارضات اساسی با اسلام و هویت اسلامی دارد این، به گفته گیدنز، سیاست زندگی به مفهوم سیاست تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی است. این تصمیم‌گیری‌ها کدام‌اند و چگونه باید آنها را به صورت مفاهیم درآورد؟ طبعاً پاسخ عصر جهانی‌شدن به این پرسش و نظایر آن بر مفروضات و پیش‌فرض‌های ارزشی، اخلاقی و حداقل فرهنگی استوار است که احتمالاً در تعارض با باورهای اسلامی و نظام ارزشی اسلام است. نوام چامسکی، اندیشمند معروف امریکایی بر این باور است که جهانی‌شدن به مفهوم جهانی‌سازی فرهنگی، چیزی جز تحول ماهوی در تاریخ تبلیغات نیست. وی بر این باور است که جهانی‌شدن به صورت جدی جهان عرب و اسلامی را تهدید می‌کند، زیرا یهودیان سلطه کامل بر دستگاه‌های اطلاع‌رسانی دارند و از این طریق حقایق را تحریف و مظاهر تمدن اسلامی و میراث مسلمانان را از افکار عمومی جهان محو می‌کنند.

نوشتار حاضر در پی بررسی ارتباط بین فرهنگ و هویت اسلامی با مداخله متغیری همچون جهانی‌شدن بر جنبش‌های اسلامی کشورهای مصر، لیبی، یمن و بحرین و نیز در پی اثبات عدم تأثیرگذاری سیاست‌های غرب و پدیده جهانی‌شدن بر فرهنگ و هویت اسلامی جوامع هدف است. بنابراین از این دیدگاه جهانی‌شدن و سیاست‌های غربی تأثیر اساسی بر فرهنگ و هویت اصیل اسلامی ندارد و برعکس این فرهنگ و هویت اسلامی است که با استفاده از قابلیت‌های تکنولوژیک جهانی‌شدن، ایدئولوژی‌های خویش را در سطح جهان گسترش داده است و این عامل می‌تواند از عوامل مؤثر بر جنبش (بیداری)‌های اسلامی اخیر باشد. از این‌رو هویت اسلامی و وضعیت آن را در تعیین هویت اسلامی می‌توان براساس مفاهیم هوسرل توضیح داد. برای این منظور می‌توان از دو مفهوم ته‌نشینی و احیاء استفاده کرد (لاکلائو و موفه، ۲۰۰۱: ۹۶). ته‌نشینی حاکی از وضعیتی است که طی آن امور جدید به تدریج عادی شده و به بخشی از زندگی روزمره انسان‌ها تبدیل می‌شوند. ته‌نشینی نقطه مقابل فعال‌سازی مجدد یا احیاء است. فعال‌سازی مجدد بیانگر وضعیتی است که در آن ته‌نشینی و انجماد مورد انتقاد قرار می‌گیرد. فعال‌سازی مجدد بیانگر انتقاد از تحقق رویدادی است که ما آن را طبیعی فرض می‌کنیم (سعید، ۱۳۷۹: ۲۷). براساس چنین نگرشی طی تاریخ اسلام هویت اسلامی در وجود مسلمانان نهادینه شده و ته‌نشینی شده و به تعبیر «رورتی» اسلام به عنوان واژگان نهایی در ذهن مسلمانان تثبیت شده است.

چالش دنیای جدید با تحمیل هویت‌های جدید عملاً موجب بروز رویارویی‌های هویتی گردید. بابت سعید این نکته را با پیدایش کمالیسم در جهان اسلام که در صد تحمیل مدرنیسم در جهان اسلام بود، به خوبی توضیح می‌دهد. بنابراین اوج فعالیت مجدد هویت اسلامی را می‌توان در ظهور پدیده اسلام‌گرایی توضیح داد (سعید، ۱۳۷۹: ۷۴). اسلام‌گرایی از این حیث ثمره بازگشت و احیای هویت اسلامی بوده است.

آغاز حرکت «بیداری اسلامی» یا خیزش اسلامی، پدیده عظیم و فراگیری که امروز با انقلاب و بیداری در کشورهای عربی منطقه به ثمر رسیده است، حدود دو قرن پیش بوده است. در این دو قرن با فراز و نشیب‌ها و ضعف و قوت‌هایی همراه شده است. ابتدا در مناطق جغرافیایی خاص و محدودی ظهور، سپس در طول دهه‌های گذشته گسترش یافت و امروزه شاهد پیروزی انقلاب‌های منطقه یکی پس از دیگری هستیم. به اعتقاد اکثر کارشناسان حرکتی که با محوریت انقلاب اسلامی در احیای هویت اسلامی شکل گرفته است، در شرایط جدید جهانی با توجه به دو پدیده ظهور

پسامدرنیسم و جهانی شدن از فرصت‌های بیشتری در آینده برخوردار خواهد بود. و به‌رغم تفوق جریان‌های غرب‌گرا در جهان، می‌تواند به گفتمان غالب منطقه و بیداری اسلامی تمامی کشورهای مسلمانان بینجامد. هویت که دربرگیرنده ابعادی همچون فرهنگ، سیاست، اجتماع است، می‌تواند در تعامل با جهانی شدن موتور محرکه انقلاب‌های عربی در کشورهای اسلامی منطقه به شمار آید (مصطفایی، ۱۳۹۰: ۱۸).

با توجه به نکات یاد شده و اهمیتی که هویت اسلامی و جهانی شدن در مسائل امروزی جهان دارند، این سؤال مطرح می‌شود که آیا عامل هویت اسلامی با مداخله متغیر واسط جهانی شدن منجر به جنبش‌های اسلامی فراگیر در منطقه (مصر، لیبی، یمن و بحرین) شده است؟

۲. سؤالات تحقیق

الف) سؤال اصلی

آیا از دیدگاه جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله کشورهای مصر، لیبی، یمن و بحرین عامل هویت اسلامی با مداخله متغیر واسط جهانی شدن تأثیری بر جنبش‌های اسلامی کشورهای منطقه (کشورهای مصر، لیبی و بحرین) داشته است؟

ب) سؤالات فرعی

- آیا خودباوری فرهنگ اسلامی و جهانی شدن آن بر جنبش‌های اسلامی کشورهای منطقه تأثیرگذار است؟
- آیا الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران (صدور انقلاب) بر جنبش‌های اسلامی کشورهای منطقه تأثیرگذار است؟
- آیا ناکارآمدی دولت‌های دست‌نشانده و وابسته به غرب تأثیری بر جنبش‌های اسلامی کشورهای منطقه داشته است؟
- آیا گسترش ارتباطات میان بخش‌های از هم جدا افتاده امت اسلامی بر جنبش‌های اسلامی کشورهای منطقه مؤثر است؟

۳. فرضیات پژوهش

- به نظر می‌رسد خود باوری فرهنگ اسلامی و جهانی شدن آن بر جنبش‌های اسلامی کشورهای منطقه مؤثر است.

- به نظر می‌رسد الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی کشورهای منطقه مؤثر است.
- به نظر می‌رسد ناکارآمدی دولت‌های دست‌نشانده و وابسته به غرب بر جنبش‌های اسلامی کشورهای منطقه مؤثر است.
- به نظر می‌رسد گسترش ارتباطات میان بخش‌های از هم جدا افتاده امت اسلامی بر جنبش‌های اسلامی کشورهای منطقه مؤثر است.

۴. چارچوب مفهومی

الف) جهانی‌شدن

اصطلاح جهانی‌شدن اولین بار توسط مک لوهان و در دهه ۶۰ به کار گرفته شد. او تمدن را به سه دوره تقسیم می‌کند: (۱) تمدن شفاهی یا کهکشان شفاهی (۲) تمدن مکتوب که با اختراع ماشین چاپ آغاز شد، (۳) تمدن الکترونیکی که با اختراع رادیو به وسیله مارکنی شروع می‌شود. به نظر وی، جهان امروزی به سوی دهکده قدیم که تمدن شفاهی باشد در حال حرکت است، زیرا زمینه ارتباط چهره به چهره افراد توسط رسانه‌ها رو به گسترش است. لوهان جهانی‌شدن را مفهومی می‌شناسد که دلالت بر به هم فشردن جهان در بعد زمان و مکان و کوچکتر شدن آن دارد (مک لوهان، ۱۹۶۰: ۳۶). امانوئل ریشر نیز جهانی‌شدن را شکل‌گیری شبکه‌ای می‌داند که در چارچوب آن اجتماعاتی که پیش از آن در کره خاکی، دور افتاده و منزوی بوده‌اند، بر پایه وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند (صداقت، ۱۳۸۹: ۱۱). به اعتقاد جیمز کلمن جهانی‌شدن با سنت‌زدایی از فرهنگ و برقرار کردن حکومت بین‌المللی رسانه‌ها، زمینه یکسان‌سازی جوامع و فرهنگ‌ها فراهم می‌سازد. هم‌چنین به نظر آنتونی گیدنز، جهانی‌شدن شامل تراکم دنیا به عنوان یک کل و از طرف دیگر افزایش سریع اجتماعات و پایه‌گذاری فرهنگ جهانی است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۳). هم‌چنین گیدنز معتقد است که جهانی‌شدن محل‌های جداگانه را چنان به هم پیوند می‌زند که حوادث محلی با حوادثی که کیلومترها دور از آن رخ می‌دهند شکل می‌گیرد و بالعکس (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۲). به نظر فرانسیس فوکویاما، جهانی‌شدن به معنای یکپارچگی در همه زمینه‌ها و استانداردسازی سیاست و فرهنگ و اقتصاد بر پایه ضوابط و ملاک‌های غربی است (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۵۷).

برخی از جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که جهانی‌شدن با تحولاتی همراه بوده است که کم و بیش، از کنترل انسان خارج هستند و در جهت تغییر جهان عمل می‌کنند،

تغییری که سیاره زمین را به‌طور کلی فرا می‌گیرد و در عین حال، پیش‌بینی‌پذیر نیست. بنابراین، می‌توان از خیر یا شر، تهدید یا فرصت بودن آن پرسید. کسانی چون پاول ترینو و ادوارد اس هرمان درباره خطرات و تهدیدهای جهانی‌شدن، به تفصیل سخن گفته‌اند. اگر تحولات دهه‌های اخیر را بخشی از فرآیند جهانی‌شدن قلمداد کنیم، جهانی‌شدن، چهره ترسناکی از خود نشان می‌دهد: «جهان ما، بحران بنیادی را تجربه می‌کند، بحران در اقتصاد جهانی، محیط زیست جهانی، سیاست جهانی و... صدها میلیون انسان، در کره زمین به صورت فزاینده‌ای از فقر، گرسنگی و گسیختگی خانواده‌هایشان رنجورند و... سیاره ما، همچنان به نحو ظالمانه‌ای، چپاول می‌شود (تانرز، ۱۳۸۸: ۳۲). و به تعبیر استاد مطهری، «نه تنها جرم‌ها را کم نکرده، بلکه به مراتب آنها را بیشتر و بزرگ‌تر کرده است» (مطهری، ۱۳۸۵: ۵۱). خلاصه این‌که دوران معاصر دغدغه‌های بشری را نه تنها کاهش نداده، بلکه به مراتب بر آنها افزوده است؛ زیرا انسان حاضر در این عصر خواسته یا ناخواسته با پدیده‌ای روبه‌روست که تمام ساحات زندگی او را تحت تأثیر قرار داده و خواهد داد، که اگر با عینک خوش‌بینی به آن بنگریم در نهایت می‌توانیم بگوییم این پدیده که از آن تعبیر به جهانی‌شدن می‌شود، دنیایی از ابهامات را به همراه خود آورده و جهانی از پرسش‌ها را فراروی اندیشمندان قرار داده است و اگر بدبینانه با آن برخورد کنیم باید بگوییم آنچه به وقوع پیوسته و در حال گسترش است، چیزی جز جهانی‌سازی نیست که زمینه سلطه قدرت‌های بزرگ را بر بخش‌های محروم جهان فراهم می‌سازد (تانرز، ۱۳۸۸: ۳۳).

ب) جهانی‌شدن ارتباطات

چهره جهان به سبب سرعت رشد فناوری وسایل ارتباط جمعی، در حال دگرگونی و تغییر روزافزون است، چنان‌که به نظر می‌رسد دوره جدیدی را در حیات انسان‌ها پدید آورده است. وسایل ارتباط جمعی که از آنها به عنوان حاملان پیام و اطلاعات نام برده می‌شود، به کمک فناوری پیشرفته، تمام سطوح سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در سراسر جهان تحت سیطره خود درآورده‌اند. این‌گونه وسایل، همانند سلسله اعصاب بدن که اندام‌های مختلف را به یکدیگر متصل می‌کنند، میلیون‌ها انسان را نه تنها در داخل یک کشور، بلکه در دهکده جهانی مک‌لوهان به هم مرتبط می‌سازند (همایش شهرهای الکترونیکی و اینترنتی، ۱۳۸۲). مارسل مرل سومین رویداد بزرگ تاریخ جهان را فروپاشی فضا و نفوذپذیری مرزها می‌نامد (مرل، ۲۰۰۴: ۵۶). تاریخ، گواه این

امر است که در قرون گذشته، استفاده از وسایل ارتباط جمعی محدود به برگزیدگان و نخبگان جوامع بوده است، اما امروزه فناوری پیشرفته این‌گونه وسایل این امکان را برای تمامی انسان‌ها به وجود آورده است (روبرسو، ۱۹۹۴: ۳۹).

بر این اساس، می‌توان گفت همین قدرت جادویی وسایل ارتباطی است که آن را به یک سلاح مؤثر فرهنگی مبدل کرده است. برخی اندیشمندان سده نوزدهم، به ویژه فلاسفه و جامعه‌شناسانی مانند کانت و مارکس بر این باور بودند که با گذشت زمان و تحول جوامع بشری، نقش و تأثیر فرهنگ‌های مختلفی مانند قومیت و ملیت در زندگی اجتماعی کم‌رنگ‌تر خواهد شد و جامعه‌ای جهانی بدون تمایزات و شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی شکل خواهد گرفت (شبستری، ۱۳۸۲: ۲۵).

ج) هویت اسلامی

در دانشنامه علوم اجتماعی هویت چنین تعریف شده است: «هویت اجتماعی در کلی‌ترین مفهوم آن به خودآگاهی یک شخص در ارتباط با دیگری اشاره دارد. با وجود این در روان‌شناسی اجتماعی بر یک مفهوم خاص‌تر، یعنی خودآگاهی در چارچوب عضویت یک فرد در گروه‌های اجتماعی مختلف دلالت می‌کند (کاپر، ۱۹۹۶: ۷۸۹). هویت با معنایی که شخص برای زندگی خود می‌یابد پیوند مستقیمی دارد. شاید بتوان این نکته را با اصطلاح واژگان نهایی ریچارد رورتی بهتر توضیح داد. از نظر رورتی واژگان نهایی واژگانی است که هنگامی که از کسانی خواسته می‌شود از امید، عقاید و آرزوهایشان تبیین‌هایی ارائه دهند، مجموعه‌ای از کلمات و عبارات را دارند که بدانها متوسل می‌شوند. اینها، همان واژگان نهایی هستند. ما داستان خودمان را با این واژگان نقل می‌کنیم. آنها بدین دلیل نهایی هستند که فراتر از آنها تکرار مکررات، جزمیت یا سکوت وجود دارد (رورتی، ۱۹۸۹: ۷۳).

از منظر تحلیل گفتمانی، هویت‌ها محصول و نمود عینی گفتمان‌ها و همانند آنها تغییرپذیر هستند. در شکل‌گیری هویت گفتمانی گروه، آن دیگری که ما با رودرویی با او خود را می‌شناسیم طرد می‌شود و در عوض تفاوت‌های درون‌گروهی نادیده گرفته می‌شوند. از این‌رو تشکیل گروه، عملی سیاسی است (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۴۴). تعریفی که از انسان و افراد در درون یک گفتمان به صورت ایجابی شکل می‌گیرد، حاکی از بیان درونی آن گفتمان می‌باشد. هر گفتمانی براساس چینش مفاهیم در آن بیان و نیز نقش تأثیرگذار دال مرکزی آن، تعاریف خاصی از هویت افراد و جایگاه و ویژگی‌های

آنها ارائه می‌دهد. در گفتمان انقلاب اسلامی، اسلام دالّ مرکزی است و در نتیجه نوع انسان‌شناسی و ویژگی‌هایی که از انسان در آن بیان شکل می‌گیرد، شاکله هویت افراد را رقم می‌زند. به تعبیر بابی سعید، «طرح اسلام‌گرایی اساساً می‌خواهد از اسلام دالّ برتر نظم سیاسی بسازد... تبدیل یک دالّ به دالّ برتر مساوی است با ایجاد وحدت و هویت یک کلّ و اجزایش برای اسلام‌گرایان، دالّ برتر اسلام است» (بابی سعید، ۱۳۷۸: ۵۷).

شناخت هویت اسلامی به طوری که در یک تعریف کلی که همه امت اسلام را در برگیرد و بر آن منطبق باشد گرچه بدیهی به نظر می‌رسد، اما جای تأمل و بازبینی و بازشناسی دارد. این موضوع به خصوص از دیدگاه‌های بیرونی بی‌اهمیت تلقی نمی‌شود و چه بسا درباره آن حساسیت و احتیاط بسیار نشان می‌دهند. هویت اسلامی به معنای مجموعه خصوصیات، ویژگی‌ها، ارزش‌ها و اعمالی است که فرد و جامعه را به واسطه داشتن این نوع احساسات و تعلقات مذهبی، به شخصیت و جامعه‌ای متمایز تبدیل کرده است. در واقع «هویت مذهبی به عنوان یکی از ابعاد هویت اجتماعی متضمن سطحی از دینداری است که با «ما»ی جمعی یا همان اجتماع دینی یا امت تقارن دارد و نشان دهنده احساس تعلق به دین، جامعه دینی و تعهد به دین و جامعه دینی است (چیت‌سازقمی، ۱۳۸۳: ۱۹۴). بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت واژگان نهایی یک مسلمان همان اسلام است و از این‌رو اسلام برای او هویت بخش است.

د) بیداری اسلامی

بیداری اسلامی پدیده‌ای اجتماعی است که به معنای رهایی از استبداد، استعمار و تلاش در راه دستیابی به کرامت انسانی، استقلال سیاسی، اقتصادی، فکری و ایفای نقش اسلامی خود به عنوان «بهترین امت برای مردم» آن‌گونه که قرآن به مسلمانان آموخته است و سرانجام نمایش آن هویت اسلامی در تمامی عرصه‌های زندگی است (موتقی، ۱۳۷۲: ۶۱). به تعبیر دیگر می‌توان منظور از بیداری اسلامی را مجموعه‌ای از باورهای دینی دانست که در دوره کنونی در میان مسلمانان شیوع یافته است. اساساً بیداری اسلامی از مصادیق باورها و گرایش‌های معنوی در جهان اسلام است. پس حرکتی را که هدف آن بازگشت به اسلام ناب و بازیافتن هویت فراموش شده دینی، در برابر استکبار جهانی باشد، بیداری اسلامی گویند (موتقی، ۱۳۷۲: ۷۲). از دیدگاه مقام معظم رهبری، بیداری اسلامی حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی است که منجر به تحولی بزرگ در میان ملت‌های منطقه شده است. این تحول قیام‌هایی را پدید آورده که هرگز در محاسبه شیاطین مسلط

بر منطقه و بین‌الملل نمی‌گنجید. خیزش‌های عظیمی که حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آنها را مغلوب و مقهور نموده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰).

این بیداری عوامل و ریشه‌های تاریخی دارد که بایستی آنها را مورد بررسی قرار داد.

۱- عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، برخورداری امت اسلامی از عناصر تمدنی گنجینه‌های فرهنگی و فکری و آرای اجتهادی تکامل یافته‌ای است که در قالب دین مبین اسلام تبلور یافته‌اند. دین اسلام مشکلات روانی، جسمانی، دنیوی و اخروی انسان را حل کرده است به طوری که انسان مسلمانی که سلوک و نحوه زندگی او اسلامی است در آرامش و آسایش به سر می‌برد. اسلام با تربیت درونی انسان و ایفای نقش در حفظ انسان از بیماری‌های اخلاقی و رفتاری، و کسب فضائل و صفات نیکو، و تقویت ارتباط با خدا و توکل بر او، و ایجاد انسجام در روابط اجتماعی، چشم‌اندازهای کلی اخلاق را برای وی ترسیم می‌نماید. هم‌چنین اسلام با احیای بعد روحی و معنوی در انسان، از وی فردی اجتماعی می‌سازد که می‌تواند در تربیت جامعه مشارکت جوید. این بعد سرنوشت انسان که اسلام برای فرد و جامعه چه به لحاظ جهان‌بینی و چه به لحاظ تشریح و قانون‌گذاری تکامل یافته، و چه از نظر اخلاق نیک، منادی آن بوده، سرآغازی برای بیداری اسلامی گردیده است (هرایر، ۱۳۸۰: ۳۱).

۲- عوامل برونی: امت اسلامی در گرداب تمدن مادی وارد شده از شرق و غرب گرفتار شده و مورد تهاجم فکری قرار گرفته است که کنار زمین اسلام از صحنه، بر اثر عوامل متعدد و برای مدت زمان طولانی و عدم حضور رهبری امانت‌دار، توجه حاکمان مسلمان به امور شخصی و ضعف روحیه امر به معروف و نهی از منکر، خود در این فرآیند سهیم بوده‌اند. چرا که این عوامل، و شعارهای فریبنده‌ای که استعمارگران در مورد آزاد ساختن و کمک به پیشرفت مسلمانان سر می‌دادند، و هم‌زمانی این شعارها با پیشرفت تکنولوژی که استعمارگران به عنوان دلیلی برای اثبات پیشرفت تمدنی خود بدان استناد می‌نمودند، همه و همه موجب دوچندان شدن جهل و نادانی امت نسبت به حقیقت اسلام گردیده‌اند (دکمیان، ۱۳۸۰: ۳۳).

این ضعف، نادانی و آمیختگی بین تمدن، فرهنگ و علم سبب شد که امت اسلامی تحت سیطره تمدن جدید قرار گیرد. تا جایی که نویسندگان و روشنفکران [مسلمان] نیز فریفته آن شده و برای آن به نظریه‌پردازی پرداختند. بعد از مدتی نه چندان کوتاه سرپوش‌ها کنار رفت و چهره دروغین تمدن معاصر و کذب داعیان آن برملا شد و بعد

از مصیبت‌ها و بحران‌هایی که دامنگیر امت اسلامی شده بود به خود آمد و احساس کرد مغلوب و مورد استثمار قدرت‌هایی شده که ثروت‌ها و امکانات را به غارت برده و از ارزش‌ها، عقیده و فکر اسلامی‌اش دور داشته‌اند. بنابراین پیامد برخورد تمدنی و درگیری شدید میان اسلام و تمدن ماتریالیستی در مقابله با سلطه فکری و سیطره بیگانگان به نام اسلام و احساس مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر و جهاد در راه خدا، سرآغاز دیگری برای بیداری اسلامی در عصر حاضر شد. از عوامل بیرونی بیداری اسلامی می‌توان به برخورد تمدن‌های نوین برای سیطره بر جهان سوم و نتایج تلخی که از این درگیری‌ها عاید بشریت شده و ستم آشکاری که روا داشته است، اشاره کرد (دکمیان، ۱۳۸۰: ۳۳). در این شرایط ملت‌ها به این فکر افتادند که انتقام کرامت از دست رفته خود را گرفته، و وحدت فکری، سیاسی و اقتصادی خود را حفظ کنند. بنابراین ملت‌های مسلمان، اسلام را بزرگترین نجات‌دهنده و آرمان خود یافتند و بر آن شدند که انتقام اسلام را از دشمنانش بگیرند، و به دفاع از آن و مطالبه آن برخیزند (سیدقطب، ۱۳۶۵: ۵۶).

ه) وحدت اسلامی

نیاز به وحدت در میان کشورهای مسلمان، امروزه بیش از هر زمانی احساس می‌شود و وحدت اسلامی می‌تواند نماینده قدرت و شوکت اسلام، توانایی مسلمانان، عامل غلبه بر ابرقدرت‌ها و ستمگران و مطرح شدن دیدگاه‌های اسلامی باشد. براساس دیدگاه قرآن کریم انسان‌ها در اصل خلقت وحدت دارند، چرا که خداوند آنها را از نفس واحد آفریده است. خدای متعال در قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران، ۱۰۳). «همگی به ریسمان خدا، تمسک جوئید، و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خودتان، به یاد آرید، آنگاه که دشمنان (یکدیگر) بودید، و (او) میان دل‌های شما، الفت انداخت، پس به (برکت) نعمت او، برادران (همدیگر) شدید...».

در اندیشه سیاسی اسلام به جای اصطلاح ملت از امت استفاده می‌شود. در این عرصه به جامعه مسلمانان که تحت حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، امت گفته می‌شود، و تنها عامل عضویت در آن اسلام است و عوامل شکل دهنده ملت و ملی‌گرایی در امت اسلامی نقشی ندارد. از نظر اسلام محور اساسی زندگی انسان فکر و عقیده است. این اصل به همراه اصل وحدت، زندگی اجتماعی، و تعاون انسان‌ها با یکدیگر را در جامعه اسلامی سامان می‌دهد (لوئیس، ۱۳۷۸: ۸۵).

و) چالش‌های هویت اسلامی منطقه در سده اخیر

فرایند احیای هویت اسلامی را در عصر حاضر باید در راستای چالش‌های شکل گرفته با هویت اسلامی توضیح داد. ویژگی عمده و اساسی دوران معاصر، چالش‌های بنیادین ناشی از تهاجم فرهنگ و تفکر مدرن غربی به جهان اسلام بوده است. جهان اسلام همانند دیگر مناطقی که در طول دوره استعمار تحت سیطره و تسلط غربیان درآمدند، این چالش‌ها را در دو سده اخیر تجربه کرده است. این امر سبب شد بخش قابل توجهی از بدنه فکری جوامع اسلامی مجذوب آرمان‌ها و اصول دنیای غرب مدرن شود و حتی شعار پیروی مطلق از دنیای غرب را در نظر و عمل سر دهد (صدیقی، ۱۳۷۵: ۱۵۲).

مهم‌ترین نمود چالش فکری - فرهنگی دنیای غرب را می‌توان در بحران هویت جوامع اسلامی مشاهده کرد. تجزیه عمده قلمرو اسلامی در پی شکست دولت عثمانی در جنگ جهانی نخست، و شیوع آموزه‌ها و اندیشه‌های غربی از جمله ملی‌گرایی سبب شد مسلمانان با در حاشیه قرار دادن هویت مشترک اسلامی خویش عملاً خود را با هویت‌های محلی - ملی تعریف کرده و قدمی دیگر از آرمان امت واحده اسلامی دور شوند. اگر کلیت چالش فکری و فرهنگی غرب را نخستین چالش عمده هویت اسلامی در دوران معاصر بدانیم، بدون تردید ملی‌گرایی و ناسیونالیسم قرن بیستم نیز در راستای سیطره تفکر و فرهنگ غربی، چالش نخست را تکمیل و عمیق‌تر نموده است. به بیان دیگر، گفتمان مدرنیسم غربی به صورتی که پس از معاهده وستفالی تجلی یافت، ملی‌گرایی را در سراسر جهان ترویج نموده و آن را امری بدیهی و ضروری معرفی کرد. در جهان اسلام نیز دنیای استعماری غرب کوشید برای تضعیف بیشتر و شکستن وحدت جهان اسلام و در راستای سیاست ایجاد تفرقه به ترویج ملی‌گرایی پرداخته و با برجسته کردن هویت ملی در برابر هویت فراگیر و مشترک اسلامی جهان اسلام را به خود مشغول داشته و از اندیشه مقابله با دشمن مشترک استعماری باز دارد (صدیقی، ۱۳۷۵: ۱۵۳).

۵. تحلیل گفتمان

در تحلیل گفتمانی لاکلائو و موفه سوژه، هویت خود را از طریق بازنمایی در یک گفتمان و انتساب به یک موقعیت گفتمانی می‌یابد. گفتمان‌ها با تشکیل زنجیره هم‌ارزی و تفاوت که در آنها نشانه‌ها مرتب شده و در تقابل با زنجیره‌های دیگر قرار می‌گیرند هویت را به طور رابطه‌ای شکل می‌دهند. در این فرآیند، هویت‌های خاصی در کنار هم به صورت خطی مرتب می‌شوند و در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار می‌گیرند که به نظر می‌رسد تهدید کننده آنها باشند.

تعریفی که از انسان و افراد در درون یک گفتمان به صورت ایجابی شکل می‌گیرد، حاکی از تبیین درونی آن گفتمان می‌باشد. هر گفتمانی براساس چینش مفاهیم در درون آن تبیین و نیز نقش تأثیرگذار دال مرکزی آن تعاریف خاصی از هویت افراد و جایگاه و ویژگی‌های آنها ارائه می‌دهد. در گفتمان بیداری هویت اسلامی، اسلام دال مرکزی قرار گرفته و در نتیجه نوع انسان‌شناسی و ویژگی‌هایی که از انسان در آن تبیین شکل می‌گیرد، شاکله هویت افراد را رقم می‌زند. به تعبیر سعید، «طرح اسلام‌گرایی اساساً مصمم است که از اسلام دال برتر نظم سیاسی بسازد... تبدیل یک دال به دال برتر مساوی است با ایجاد وحدت و هویت یک کل و اجزایش. برای اسلام‌گرایان، دال برتر اسلام است» (هوارث، ۲۰۰۰: ۴۳).

اسلام پیش از شکل‌گیری گفتمان اسلام‌گرایی یا انقلاب اسلامی، دال شناوری بود که اسلام‌گرایان سعی کردند براساس منطق هم‌ارزی و تفاوت با معنابخشی به آن و تبیین مجدد آن در گفتمان خویش و در نهایت تبدیل آن به یک دال مرکزی هویت کلی گفتمانی خود را شکل دهند. تمسک مسلمانان به اسلام در اینجا براساس منطق هم‌ارزی، آنها را در یک ردیف قرار داده و منطق تفاوت نیز آنها را از انسان مدرن غربی متمایز می‌سازد. از این‌رو در تعریف هویت اسلامی باید به دال مرکزی اسلام و چگونگی تبیین و چینش آن با نشانه‌های دیگر در گفتمان اسلام‌گرایی پرداخت. چنین ترکیبی در درون خود ضمن تعریف هویت کلان گفتمانی و نفی اغیار، ویژگی‌ها و جایگاه افراد را در درون خود معین و مشخص خواهد نمود.

هرچند از سوی متفکرین غربی انتقاداتی به هویت‌های غیرمتجدد و مخصوصاً هویت دینی وارد می‌شود، لیکن شرایط مابعد تجدد امکان نسبتاً وسیعی برای طرح مجدد هویت‌های دینی می‌گشاید که در نظر نخست با طرح اساسی آن ناسازگاری می‌نماید، اما در حقیقت تناقضی در کار نیست. آنچه «سیاست هویتی» دوران تجدد متأخر یا مابعد تجدد خوانده می‌شود، مبتنی بر مقابله با هرگونه سیاست عام و زمینه‌سازی برای آزادی و رهایی هرچه بیشتر فردی است. این مهم در کشورهای عربی با نفی هویت‌سازی‌های ملی‌گرایانه مدرن دنبال می‌گردد. پس اگر هویت دینی خود بخواهد در مسیر نظم اجتماعی، نوعی طرح هویتی عام ارائه دهد، بی‌درنگ با طرد و رد مواجه خواهد شد. لیکن اگر به عنوان یک تعیین فرهنگی خاص و منفرد، تنها با میل و انتظاری که فرد ممکن است از او داشته باشد تعریف شود و نه تنها الزام یا محدودیتی

برای انتخاب او ایجاد نکند بلکه خود در صورت و محتوا جزو اقتضانات این انتخاب کاملاً فردی درآید، با آغوش باز پذیرفته می‌شود (کچوئیان، ۱۳۸۷: ۱۱).

امکان چنین مواجهه‌ای با هویت‌های دینی، امروزه در غرب با توجه به فروپاشی بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی مسیحیت و تبدیل آن به ماده خام و ذخیره فرهنگی تمدن تجدد و از وجهی دیگر دخل و تصرفات بی‌مه‌ار و مداوم عقل مدرن در جهت بازسازی هویت دینی به عنوان دیگر تجدد کاملاً فراهم شده است. این همان دخل و تصرفی است که در مسیری مشابه، شرق را به اقتضای هویت‌سازی مدرن بازتولید کرده است (سعید، ۱۳۷۱: ۵۶).

الف) سیدجمال‌الدین اسدآبادی

سیدجمال می‌خواست جهان اسلام و مسلمانان را با دوران جدید، ویژگی‌ها و عوامل شکل‌گیری آن آشنا کند و شرایطی را فراهم سازد که مسلمانان نیز در این دنیای جدید و تمدن آن سهمی به دست آورند و با اتکا بر عناصر اصلی آن یعنی علم و عقل و دیگر عناصر آن از جمله نهادهای سیاسی دموکراتیک بر قدرت خود بیفزایند. شاید از این منظر بتوان گفت که دغدغه اصلی سید جمال دغدغه هویتی نیست، بلکه این است که چگونه می‌توان به جهان اسلام قدرت بخشید. به اعتقاد سید، تمدن جدید و مدرن غرب، براساس اصول اسلامی پدید آمده است؛ در این جا سیدجمال، برخلاف عرب‌گرایان تمدن‌گرا، بر دو فرض اساسی تأکید می‌کرد: نخست نقش ناگزیر دین در زندگی ملت‌ها و دوم، نیاز به نهادهای جدید و مهارت‌های فنی برای برآوردن خواست‌های زندگی جدید (اسدآبادی، ۱۳۸۱: ۱۳۲).

دو هدف اصلی سیدجمال، یعنی تحقق وحدت اسلامی و مبارزه با سلطه غرب، از نقاط تمایز اندیشه وی از نحله تمدن‌گرایان عرب‌گرا است. در نظر سیدجمال، جهان اسلام کلیتی یکپارچه است که در صورت انسجام و وحدت آن، مسلمانان می‌توانند در مقابل سلطه اروپا مقاومت کنند. درک سید از اروپا و رفتار آن، بسیار عمیق‌تر از متفکران پیشین است. اگرچه سیدجمال تمدن و ترقی اروپا در علم و صنعت را به رسمیت می‌شناخت، ولی به سلطه آن در جهان اسلام هم حساسیت بسیاری داشت و در نتیجه بخش عمده توان خود را صرف مبارزه با آن کرد و در این مبارزه گاه مخاطبان وی دولت‌های اسلامی و گاه ملل اسلامی هستند و همین امر موجب شد که حرکت سیاسی او جنبه یک جنبش سیاسی و توده‌ای را نیز به خود بگیرد و از اندیشه‌های صرفاً اصلاحی فراتر رود. دیگر نکته اساسی اندیشه‌های نوگرایانه سیدجمال این است که در عین این که آشکارا

مسلمانان را به مقاومت در برابر سلطه اروپا بر سرزمین‌های اسلامی تحریک می‌کرد، با تأکید بر اقتباس دستاوردهای علمی و صنعتی غرب، تقلید از غرب را رد می‌کرد. به همین علت هم از روند موجود در جوامع اسلامی انتقاد می‌کرد (اسدآبادی، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

ب) سید قطب

سید قطب تمامی جوامع موجود را جاهلی می‌داند و جوامع اروپایی را اوج جاهلیت مدرن تلقی می‌کند و این جا است که تفاوت اساسی و تعیین کننده اندیشه وی با پیشگامان اسلام‌گرایی که برتری و پیشرفت تمدن اروپایی را پذیرفته بودند، خود را نشان می‌دهد. سید قطب به تعریف دوباره و آژه‌های «توسعه» و «توسعه‌نیافتگی» و معرفی معیارهای جدید برای پیشرفت و ترقی پرداخت. قطب تأکید می‌کرد که جامعه توسعه یافته جامعه‌ای نیست که در نقطه اوج تولید مادی است، بلکه جامعه‌ای توسعه یافته است که تفوق اخلاقی از خود نشان دهد. جامعه‌ای که از نظر علم و فناوری در اوج است، ولی در اخلاقیات در حقیض، جامعه‌ای عقب مانده است، درحالی که جامعه‌ای که در اخلاقیات در رده بالا ولی از نظر علم و تولید مادی در پایین قرار دارد، جامعه‌ای پیشرفته است (سید قطب، ۱۳۷۹: ۲۷۴).

ج) امام خمینی (ره)

نهضت امام خمینی (ره) اوج گرایش اصول‌گرایی اسلامی است که دیگر جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان تحت تأثیر موفقیت ایشان در تأسیس جمهوری اسلامی توانا شدند. درحالی که رهبران پیشین جنبش بیداری اسلامی چون سیدجمال به دنبال توسعه و تجدد بودند و برخی هم به صورت کمرنگی بر هویت تأکید می‌کردند. امام خمینی (ره) همان‌گونه که به دنبال احیای هویت اسلامی است، توسعه نیز در گفتمان وی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، توسعه‌ای که در چارچوب هویت اسلامی تعریف می‌شود. نظریه سیاسی امام (ره) منحصراً در قالب و شکل اسلامی مطرح می‌شود و همین امر موقعیت و ویژگی ممتازی به امام خمینی (ره) در جنبش اسلام‌گرایی در جهان اسلام می‌دهد (بابی سعید، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

به طور خلاصه می‌توان گفت محورهای احیای اندیشه حکومت اسلامی امام خمینی (ره) «مبارزه با اندیشه جدایی دین از سیاست، تبیین ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و ماهیت اصول و اهداف این حکومت و تبیین الگوی رهبری در حکومت اسلامی»، از مهم‌ترین اقدامات حضرت امام (ره) در این عرصه بوده است که به انجام

رسید (ولایتی، ۱۳۸۵: ۱۶۲). از مهم‌ترین محورهای بحث احیاگری و اصلاح‌طلبی امام خمینی (ره) در اندیشه‌هایشان، اعتقاد آن حضرت به احیای اندیشه حکومت اسلامی و رهبری دینی است. امام (ره) در رابطه با تشکیل و اداره حکومت بر این باور بود که تشکیل حکومت از وظایف مهم و اصلی علمای اسلام است و آن هم بدین معنا که اداره صحیح امور مردم و محو ظلم باید توسط حاکمیت و حاکمان انجام پذیرد. امام خمینی (ره) با اعتقاد به عینیت دیانت و سیاست اعتقاد به «سیاست اسلامی» داشتند یعنی این که اسلام باید به عنوان هدف، و سیاست به عنوان روش و وسیله نیل به هدف مورد توجه قرارگیرد، نه این که اسلام به عنوان ابزاری سیاسی مورد سواستفاده برخی از سوداندیشان واقع شود. «دکترین سیاسی امام (ره) بر پایه مبانی ثابت، استوار و اعتقاد عمیق به غیب و امداد غیبی، ایمان خلل‌ناپذیر به تعالیم اسلام و وحی، اتکاء و توکل راسخ بر قدرت لایزال الهی، و تکلیف‌مداری مطلق قرار داشت؛ دکترینی سیاسی که «به اعتراف تحلیل‌گران غربی، غرب از شناخت آن عاجز مانده است» (جهان بزرگی، ۱۳۸۶: ۲۶).

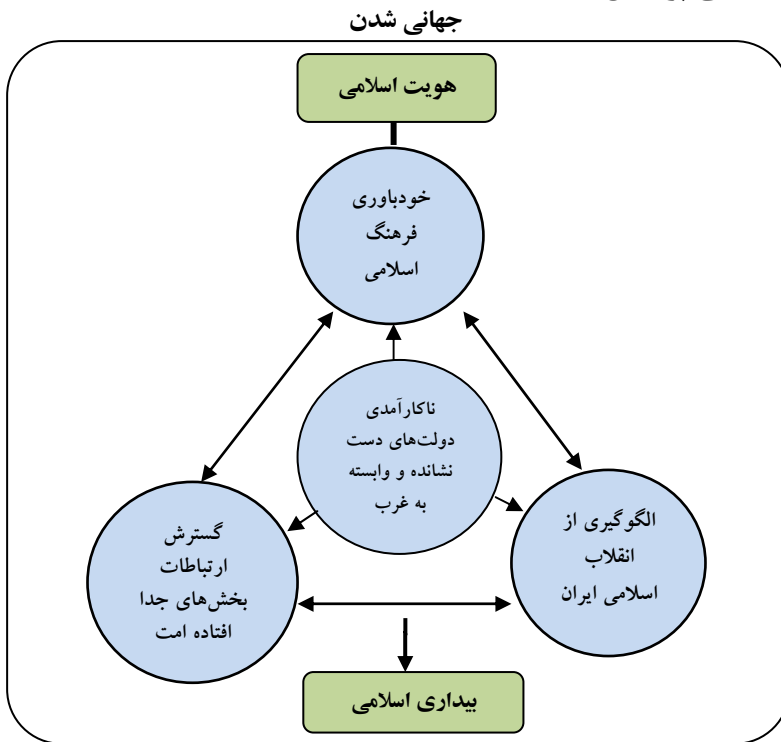
د) اشتراکات فکری امام خمینی (ره)، سیدجمال و سید قطب

نکات و موارد مشابه نظری در افکار سیدجمال و سید قطب و همسویی آنها با نظریه سیاسی امام خمینی (ره) و تأکید مشابه سیدقطب و امام (ره) در راه حل نهایی تمامی مسائلی که در فهم اسلام خلاصه می‌شود. از نظر امام (ره) اسلام هم دین است و هم دولت، یعنی سیاست ما عین دیانت ماست. هم‌چنین سیدقطب به ارائه تعریفی جدید و انحصاری از مفاهیم توسعه و توسعه‌یافتگی و ارائه معرف‌های جدید برای پیشرفت و ترقی جوامع پرداخته است. به عنوان مثال سیدقطب جوامعی را که از لحاظ مادی و تولید صنعتی در جایگاه بالایی قرار ندارند ولی از حیث تفوق اخلاقی در رده بالایی قرار دارند جامعی پیشرفته می‌داند.

امام (ره) دیدگاهی دو وجهی به مسائل دارد و به موازات احیای هویت اسلامی تلاش می‌کرد که در گفتمان سیاست و راهبرد خود، از موضوع توسعه غافل نماند و نوعی تعریف اسلامی متناسب با هویت اسلامی و در چارچوب مشخص و واحد برآمده از فرهنگ و هویت اسلامی ارائه دهند. نهایتاً این که سیدجمال‌الدین در تلاش بود که مسلمانان را از دنیای جدید و تمدن آن و اتکا به عناصر اصلی آن یعنی علم و عقل و دیگر عناصر نظیر نهادهای دموکراتیک بهره‌مند سازد تا با بهره‌گیری از این مواهب به قدرت جهان اسلام بیفزاید. در واقع هدف اولیه سیدجمال‌الدین افزایش

قدرت مسلمانان در جهان است. حال به تشابه نظری افکار سیدجمال‌الدین، ادوارد و در آخر نظریه سیاسی امام خمینی (ره) می‌پردازیم. در این راستا ادوارد معتقد است که طرح اسلام‌گرایی مصمم است تا از اسلام دال برتر نظم سیاسی، یعنی معرف و محرک ایجاد نظم جهانی بسازد (همسویی افکار سیدجمال‌الدین)، و این در حالی است که با تبدیل یک دال به دال برتر با ایجاد وحدت و هویت یک کل و اجزایش روبرو شده که نمونه زنده آن انقلاب اسلامی ایران است. در جریان انقلاب اسلامی ایران امام (ره) با محور قرار دادن اسلام و هویت اسلامی به عنوان دال برتر سیاسی باعث شکل‌گیری وحدت در کل جامعه اسلامی شد. و پس از آن با پدیده فراگیر اسلام‌گرایی در کل جهان مواجه شدیم. در واقع این طرح ادوارد با اهداف اصلی سیدجمال‌الدین و امام (ره) یعنی تحقق وحدت اسلامی و مبارزه با سلطه غرب، کاملاً همسویی و قرابت دارد. با توجه به نظر و دیدگاه سیدجمال‌الدین که جهان اسلام را مستعد کلیت یکپارچه می‌داند که با انسجام و وحدت آن مسلمانان می‌توانند در مقابل سلطه اروپا و غرب مقاومت کنند و نوعی حکومت اسلامی جهانی شده را نهاده‌سازند، و نیز با در نظر گرفتن دیگر افکار مشابه می‌توان پی برد که نوعی همسویی و تشابه میان محورهای احیاگری اندیشه و حکومت اسلامی و تبیین ضرورت تشکیل الگوی رهبری در بین دیدگاه‌های امام خمینی (ره)، سیدجمال و سیدقطب وجود دارد که به‌طور کلی می‌توان اهتمام و رهبریت اسلام در جهان عنوان کرد.

- مدل تحلیلی پژوهش

**۶. روش تحقیق**

پژوهش حاضر در سال ۱۳۹۰ و به روش پیمایشی صورت گرفته است، که یکی از متداول‌ترین روش‌های تحقیق در مطالعات کمی محسوب می‌شود. پیمایش را می‌توان بررسی و سنجش مجموعه‌ای از افراد یا نظام‌های اجتماعی با توجه به ویژگی‌های فردی خاصی مانند سن، درآمد، نگرش نسبت به هر چیز و غیر از آن تعریف کرد که در آن از تعداد معینی از افراد خواسته می‌شود، به تعدادی پرسش مشخص که برای همه افراد یکسان است پاسخ دهند و این پاسخ‌ها مجموعه اطلاعات پژوهش را تشکیل می‌دهد (بیکر، ۱۳۷۷: ۱۹۶). واحد تحلیل در این تحقیق «فرد» است. حوزه تحقیق شامل کشورهای مصر، لیبی، یمن و بحرین، و سطح تحلیل نیز خرد است.

۱-۶. جامعه آماری و حجم نمونه

پژوهش حاضر در سال ۱۳۹۰ انجام گرفته جامعه آماری آن جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله

کشورهای مصر، لیبی، یمن و بحرین هستند. با توجه به این که تعداد جامعه آماری پژوهش مشخص نبود، با رویکرد به جدول تعیین حجم نمونه مورگان که حجم نمونه استاندارد را برای جوامع آماری تا بینهایت ۳۸۴ نفر ذکر نموده است، نمونه‌ای به تعداد ۳۸۴ نفر براساس ۵ درصد خطا برآورد شده است. با توجه به محدودیت‌های تحقیق و عدم دسترسی مستقیم به افراد نمونه، گردآوری داده‌ها و تکمیل پرسشنامه از نمونه‌ها به صورت اینترنتی (آن لاین) صورت گرفته است.

۲-۶. تکنیک گردآوری اطلاعات

تکنیک گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر پرسشنامه الکترونیکی مشتمل بر ۲۶ سؤال محقق ساخته می‌باشد. بنابراین به منظور گردآوری اطلاعات با استفاده از روش تصادفی ساده از کاربران اینترنتی یاهو مسنجر و از جوانان هر کشور (مصر، یمن، لیبی و بحرین) به تعداد ۹۶ نمونه صورت گرفته است. به این صورت که پس از انتخاب تصادفی یک کاربر در اتاق‌های گفتگوی یاهو مسنجر کشورهای فوق‌الذکر با معرفی خویش و بیان هدف و جلب رضایت پاسخگو ابتدا سؤالات زمینه‌ای (جنسیت، سن، تحصیلات و...) و سپس سؤالات اصلی مورد نظر از پاسخگویان به زبان انگلیسی پرسیده و پرسشنامه‌ها تکمیل شد. جهت سنجش پایایی ابزار از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب پایایی بدست آمده برای هریک از متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: ضریب پایایی متغیرها:

معرفها	تعداد پرسش	آلفای کرونباخ	آلفای کل
خود باوری فرهنگ اسلامی و جهانی شدن آن	۸ پرسش	۰/۸۵	۰/۸۳
الگو گیری از انقلاب اسلامی ایران	۴ پرسش	۰/۸۹	
ناکارآمدی دولت‌های دست‌نشانده و وابسته به غرب	۵ پرسش	۰/۸۱	
گسترش ارتباطات میان بخش‌های از هم جدا افتاده امت اسلامی	۴ پرسش	۰/۷۵	
سؤالات زمینه‌ای	۵ پرسش	۰/۸۵	

مشاهده می‌شود که آلفای تمامی معرفها بالای ۰/۷۰ می‌باشد که نشان دهنده پایایی قابل قبولی می‌باشد. همچنین جهت سنجش اعتبار گویه‌ها از فرمول سنجش اعتبار محتوای اس. اچ. لاوشه استفاده شده که براساس آن، گویه‌های مورد نظر به ۹ نفر از اساتید متخصص در این حوزه نشان داده شد که ۸ نفر موافق بودند و سودمند بودن گویه‌ها را

تأیید کردند و ۱ نفر مخالف بود. با جای‌گذاری در فرمول زیر، عدد ۰/۷۲ به دست آمد که نشان دهنده اعتبار قابل قبول ابزار تحقیق می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss و به دو روش آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفت.

۳-۶. شاخص‌سازی متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته پژوهش، جنبش‌های اسلامی و متغیرهای مستقل تحقیق، جهانی‌شدن و هویت اسلامی می‌باشند که در جدول شماره ۲ نحوه شاخص‌سازی هر یک از متغیرها مشخص شده است.

جدول شماره ۲: شاخص‌سازی متغیرهای مستقل مورد مطالعه

متغیر	مؤلفه	معرف
هویت اسلامی	گسترش ارتباطات میان بخش‌های جدا افتاده امت اسلامی	- وحدت شیعه و سنی، - افزایش ارتباطات سیاسی کشورهای مسلمان، - مسئله فلسطین به‌عنوان عامل وحدت‌بخش، - افزایش همبستگی فکری میان روشنفکران، روحانیون و دانشجویان کشورهای اسلامی.
	ناکارآمدی دولت‌های دست‌نشانده و وابسته به غرب	- عدم استقلال در اداره کشور، - کاربرد زور در اداره کشور (دیکتاتوری)، - افزایش بی‌بندوباری در کشور، اریسمفکری میان روشنفکران، روحانیون و دانشجویان کشورهای اسل - ناکارآمدی در امور اقتصادی - حمایت از سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه.
جهانی‌شدن	خودباوری فرهنگ اسلامی و جهانی‌شدن آن	- اتکا به رهبری دینی در ابعاد سیاسی و اجتماعی، - احیاء روحیه جهاد و شهادت - افزایش مشارکت در نماز جمعه به عنوان عاملی سیاسی - اجتماعی و انسجام بخش، - احیاء امر به معروف و نهی از منکر، - افزایش برخی ارزش‌های اسلامی همچون: ایستادگی در برابر ستمگران، دفاع از مظلومان، دوری از اشرافی‌گری و...
	الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران	- بهره‌گیری از رهبران کاریزمای انقلاب اسلامی ایران، - بازتاب موفقیت‌های جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف علمی و فرهنگی، - گسترش ایدئولوژی‌های انقلاب اسلامی ایران در بین روشنفکران کشورهای اسلامی. - استفاده از شاخصه‌های کلان انقلاب اسلامی (همچون استقلال، آزادی و...) در کشورهای اسلامی.

۷. یافته‌های تحقیق

۱-۷. ویژگی‌ها و خصوصیات کلی نمونه مورد مطالعه

- بنابر نتایج به دست آمده ۶۶/۵ درصد از حجم نمونه مورد مطالعه را مردان و ۳۳/۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. بیشترین پراکندگی متغیر جنس در پاسخگویان کشور لیبی (۵۴/۴ درصد مردان و ۴۵/۶ درصد زنان) و کمترین پراکندگی در پاسخگویان کشور بحرین (۹۲/۲ درصد مردان و ۷/۸ درصد زنان) مشاهده می‌شود.

- ۰/۵ درصد از کل نمونه بیسواد، ۴/۷ درصد تحصیلات دبستان، ۳۸/۲ درصد دبیرستان، ۵۱ درصد لیسانس و فوق لیسانس، ۷/۶ درصد دکترا بوده است. بیشترین میزان بیسواد را پاسخگویان کشور یمن و بیشترین میزان باسوادی را پاسخگویان کشور بحرین مشاهده دارند.

- ۴۱/۲ درصد از جمعیت نمونه شاغل و ۵۸/۸ درصد غیرشاغل بودند. شغل‌ها در ۷ گروه کارگر، تکنیسین فنی، کشاورز، کارمند دفتری، نظامی، متخصص و مشاغل آزاد تقسیم‌بندی شده است. و جمعیت غیرشاغل نیز به ۴ گروه کلی بیکار، دانشجوی، سرباز و خانه‌دار تقسیم شده است.

- در مورد به میزان مشارکت در تظاهرات انقلابی علیه حاکمان کشور، ۴۳/۳ درصد از پاسخگویان به خیلی زیاد، ۳۰/۲ درصد زیاد، ۲۱/۳ درصد تا حدودی، ۱۰/۹ درصد کم و ۳/۳ درصد گزینه منفی پاسخ داده‌اند. بیشترین میزان مشارکت مربوط به جوانان مصری است که (۷۸ درصد به میزان خیلی زیاد و زیاد)، و کمترین میزان مشارکت در تظاهرات مربوط به پاسخگویان کشور یمن می‌باشد که (۴۸ درصد به میزان خیلی زیاد و زیاد) در تظاهرات انقلابی شرکت داشته‌اند.

۲-۷. تحلیل فرضیات

جدول شماره ۳: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل تحقیق و متغیر وابسته

R	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی‌داری	متغیرهای مستقل
۰/۸۶۳	۰/۰۴۶	۹/۳۹۵	۰/۰۰	خود باوری فرهنگ اسلامی و جهانی شدن آن
۰/۶۹۰	۰/۰۳۱	۶/۳۵۴	۰/۰۰	الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران
۰/۷۹۱	۰۰/۴۹	۷/۸۸۴	۰/۰۰	ناکارآمدی دولت‌های دست‌نشانده و وابسته به غرب
۰/۱۸۱	۰/۰۵۴	۳/۳۹۱	۰/۰۰۱	گسترش ارتباطات میان بخش‌های از هم‌جدا افتاده امت اسلامی

با توجه به نتایج جدول شماره ۳ چون سطح معنی‌داری بین متغیرهای خودباوری فرهنگ اسلامی و جهانی شدن آن، الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران، ناکارآمدی دولت‌های دست‌نشانده و وابسته به غرب و گسترش ارتباطات میان بخش‌های از هم‌جدا افتاده امت اسلامی و جنبش‌های منطقه به ترتیب برابر با (۰/۰۰)، (۰/۰۰) و (۰/۰۱) و کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرض وجود رابطه بین متغیرهای فوق‌الذکر با متغیر وابسته جنبش‌های اسلامی منطقه تأیید می‌شود. بالاترین و کمترین شدت رابطه

بین متغیرهای تحقیق به ترتیب مربوط به متغیرهای خودباوری فرهنگ اسلامی و جهانی‌شدن آن با شدت رابطه (۰/۸۶۳) و گسترش ارتباطات میان بخش‌های از هم جدا افتاده امت اسلامی با شدت رابطه (۰/۱۸۱) می‌باشد.

۸. نتیجه‌گیری

هدف این نوشتار بررسی نقش جهانی‌شدن و هویت اسلامی در جنبش‌های اسلامی کشورهای مصر، لیبی، یمن و بحرین می‌باشد که برای دستیابی به هدف مذکور، ابتدا به چیستی و ماهیت هویت اسلامی پرداخته شد و سپس عوامل مستقل منتج از هویت اسلامی به چهار شاخصه تقسیم، و در قالب ۴ فرضیه، وجود ارتباط میان این عوامل با عامل وابسته (جنبش‌های اسلامی کشورهای فوق‌الذکر) بررسی و به نتایجی به شرح زیر دست یافتیم.

سؤال اول: آیا خودباوری فرهنگ اسلامی و جهانی‌شدن آن بر جنبش‌های اسلامی کشورهای منطقه تأثیرگذار است؟ در بررسی این سؤال مشخص شد که میان عامل خودباوری فرهنگ اسلامی و جهانی‌شدن آن و متغیر وابسته جنبش‌های اسلامی کشورهای مصر، لیبی، یمن و بحرین از دیدگاه جوانان کشورهای فوق‌الذکر ارتباط معناداری وجود دارد. بازگشت به مفاهیم اصیل اسلامی همچون اتکا به رهبری دینی در ابعاد سیاسی و اجتماعی، احیای روحیه جهاد و شهادت، افزایش مشارکت در نماز جمعه به عنوان عاملی سیاسی - اجتماعی و انسجام بخش، احیای امر به معروف و نهی از منکر و نیز افزایش برخی ارزش‌های اسلامی همچون ایستادگی در برابر ستمگران، دفاع از مظلومان، دوری از اشرافی‌گری و ترویج این عوامل تأثیر مثبت و مستقیمی بر بیداری اسلامی کشورهای منطقه دارد.

سؤال دوم: آیا الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران (صدور انقلاب) بر جنبش‌های اسلامی کشورهای منطقه تأثیرگذار است؟ برای عملیاتی کردن این مفهوم از شاخصه‌هایی همچون بهره‌گیری از رهبران دارای کاریزمای انقلاب اسلامی ایران، بازتاب موفقیت‌های جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف علمی و فرهنگی، گسترش ایدئولوژی‌های انقلاب اسلامی ایران در بین روشنفکران کشورهای اسلامی و استفاده از شاخصه‌های کلان انقلاب اسلامی (همچون استقلال، آزادی و...) در کشورهای اسلامی، به عنوان ابعاد گوناگون این مفهوم استفاده شد. و در نهایت مشخص شد که میان این عامل و عامل وابسته پژوهش همبستگی مستقیم و مثبتی وجود دارد.

سؤال سوم: آیا ناکارآمدی دولت‌های دست‌نشانده و وابسته به غرب تأثیری بر جنبش‌های اسلامی کشورهای منطقه داشته است؟ جهت عملیاتی کردن این مفهوم از شاخصه‌هایی همچون عدم استقلال در اداره کشور، کاربرد زور در اداره کشور (دیکتاتوری)، افزایش بی‌بندوباری در کشور، اریسم، فکری میان روشنفکران، روحانیون و دانشجویان کشورهای اسناکارآمدی در امور اقتصادی و حمایت از سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه استفاده شد، که در پایان تجزیه و تحلیل مشخص گردید میان این عامل و جنبش‌های اسلامی کشورهای مصر، لیبی، یمن و بحرین رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

سؤال چهارم: آیا گسترش ارتباطات میان بخش‌های از هم جدا افتاده امت اسلامی بر جنبش‌های اسلامی کشورهای منطقه مؤثر است؟ جهت عملیاتی نمودن متغیر فوق از شاخصه‌های وحدت شیعه و سنی، افزایش ارتباطات سیاسی کشورهای مسلمان، مسئله فلسطین به عنوان عامل وحدت‌بخش و افزایش همبستگی فکری میان روشنفکران، روحانیون و دانشجویان کشورهای اسلامی استفاده شد. که نهایتاً مشخص شد میان این متغیر و متغیر وابسته رابطه آماری معناداری وجود دارد.

براساس نتایج پژوهش مشخص شد که هویت اسلامی در قالب جهانی‌شدن، قابلیت ایجاد تغییر در کشورهای اسلامی را دارد و در این راستا ظرفیت ایجادکنش شاخصه‌های چهارگانه تحقیق بر جنبش‌های اسلامی منطقه به عنوان متغیرهایی عامل و تأثیرگذار بر روی جوامع هدف، اثبات گردید. منابع هویت‌ساز کشورهای مصر، لیبی، یمن و بحرین و... دربرگیرنده ابعادی چندگانه (هویت عربی، ملی، تجدد و...) می‌باشد که در اینجا به نظر می‌رسد هویت اسلامی از وزن بیشتری برخوردار است و در تعامل و کنش با فرآیند جهانی‌شدن از قابلیت بیشتری در بین عامه مردم برخوردار است. بنابراین از دید نوشتار حاضر هویت اسلامی در کشورهای اسلامی جدا از تأثیرات کوچک و منفی که از جهانی‌شدن متحمل شده توانسته است با پیش‌بینی برخی تمهیدات از فرآیند جهانی‌شدن به مثابه فرصتی گرانبها و تاریخی در جهت بسط و گسترش آرمان‌ها و ارزش‌های بهره‌برداری نماید. و تحت تأثیر این فرآیند امروزه شاهد بیداری اسلامی کشورهای خاورمیانه و آفریقا می‌باشیم و گسترش آن به دیگر کشورها می‌باشیم.

بنابراین، هویت اسلامی دارای توان و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل کنشی و فراکنشی است که در پروسه‌ها و فرآیندهای چندمتغیره و گاهی با ترکیب با عامل‌های واسط و مداخله‌گر نظیر جهانی‌شدن، می‌تواند به عنوان کاتالیزور عمل نماید و باعث تسریع در

شکل‌گیری ارتباط معنادار میان عوامل گردد. با در نظر گرفتن عوامل مستقل، تحقق و تداعی آن با نظریات مطرح در پژوهش از جمله دیدگاه‌های سیدجمال‌الدین و سیدقطب و امام خمینی (ره) می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت ارتباطات و معادلات منطقه از ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی معرف هویت اسلامی به عنوان عامل اصلی در تقابل با تجدد غربی در مقام تنها رقیب اصلی در منازعات اخیر جهانی و عاملی برای تغییر حکومت‌های ضد دینی به حکومت دینی و مخصوصاً حکومت اسلامی بوده است که از ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی هراس بزرگی از فوران چنین جنبش واحدی ایجاد کرد باعث شکل‌گیری و تقویت پایگاه متقابلی در برابر دنیای غرب شد و زوال تدریجی تمدن غربی را به همراه آورد. اکنون مثال زنده این دیدگاه شکل‌گیری جنبش‌های اخیر در کشورهای مصر، لیبی، یمن و بحرین و... است که همگی متأثر از هویت اسلامی‌اند و اسلام رکن اصلی همه آن انقلاب‌ها است. در واقع بیداری اسلامی به عنوان یک آگاهی جمعی با تکیه به اراده عمومی مردم و متأثر از اسلام اصیل و هویت اسلامی و با بهره‌گیری از تجربه انقلاب اسلامی ایران در شرایط کنونی تبدیل به رفتار سیاسی شده و بحث اصلی این مقاله نیز این است که این رفتار به شکل یک ایده سیاسی سامان داده شده است. تئوریزه شدن این نهضت فکری مرحله فرموله شدن را پشت سر گذاشته و به عنوان یک مدل سیاسی رخ نموده است و با استفاده ابزاری از جهانی‌شدن در حال بسط آن در منطقه و جهان است.

منابع

- اسپوزیتو، جان (۱۳۸۲)؛ *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- اسدآبادی، سیدجمال‌الدین (۱۳۸۱)؛ *مجموعه رسائل و مقالات*، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، کلبه شروق.
- تانرز، مایکل (۱۳۸۸)؛ *جهانی‌شدن اقتصاد*، ترجمه مجید ملکان، فرهنگ توسعه، ش ۲۳، ص ۳۲.
- جنکینز ریچارد (۱۳۸۱)؛ *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- جهان‌بزرگی، احمد (۱۳۸۶)؛ *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران: کانون اندیشه.
- چیت‌سازقمی، محمدجواد (۱۳۸۳)؛ *هویت دینی جوانان در ایران*، کتاب مبانی نظری هویت و بحران هویت، مجموعه مقالات، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰): متن سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی روز شنبه مورخه ۱۳۹۰/۶/۲۶ در نخستین اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی. <http://www.hajj.com/fa/report/426-1390-07-06-16-47-14>.
- خمینی، امام روح‌الله (۱۳۶۱): *صحیفه نور*، ج ۲۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰): *جهانی‌شدن تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: ثالث.
- روآ، الیویه (۱۳۷۸): *تجربه اسلام سیاسی*، محسن مدیرشانه‌چی و حسین مطیعی امین، تهران: الهدی.
- سعید، بابی، هراس بنیادین (۱۳۹۰): *اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی*، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، تهران: دانشگاه تهران.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۱): *شرق‌شناسی*، ترجمه عبدالکریم گواهی، تهران: فرهنگ اسلامی.
- سیدقطب (۱۳۷۹): دو رهیافت متفاوت، در جریان بازگشت به اسلام در جهان عرب، ترجمه سیداحمد موثقی، تهران: *فصلنامه علوم سیاسی*، س ۳، ش ۴، صص ۶۰-۴۱.
- ----- (۱۳۶۵): *آینده در قلمرو اسلام*، سیدعلی خامنه‌ای، مشهد: سپیده.
- شبستری، معصومه (۱۳۸۲): «جهانی‌سازی فرهنگ‌ها»، *ماهنامه نگاه حوزه*، س ۸، ش ۸۸ و ۸۹، صص ۲۱-۳۸.
- صداقت، پرویز (۱۳۸۹): پیچیدگی‌ها و تناقض‌های جهانی‌شدن، *ماهنامه بورس*، س ۵، ش ۱۱، صص ۱۰-۲۱.
- صدیقی، کلیم (۱۳۷۵): *مسائل نهضت‌های اسلامی*، ترجمه سیدمهدی خسروشاهی، تهران: اطلاعات.
- عنایت، حمید (۱۳۸۱): *سیری در اندیشه سیاسی در اسلام*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی.
- کچوئیان، حسین (۱۳۸۷): «معضله یا بحران هویت»، *فصلنامه تخصصی راهبرد فرهنگ*، س ۱، ش ۳، صص ۲۲-۲۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰): *جهانی‌شدن، کنترل دنیای عنان گسیخته*، ترجمه رضا استاد رحیمی، ایران، ۸۰/۶/۲۳.
- لویس، برنارد (۱۳۷۸): *زبان سیاسی اسلام*، غلامرضا بهروزلک، قم: دفتر تبلیغات اسلامی قم.
- مصطفایی، مهیار (۱۳۹۰): تحلیلی بر بیداری اسلامی در خاورمیانه، *فصلنامه تخصصی سیاست و جامعه*، س ۳، ش ۲، صص ۶۱-۸۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵): *مجموعه آثار*، ج ۱، تهران: صدرا.
- موثقی، سیداحمد (۱۳۷۲): *جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران: سمت.
- هرایر، دکمچیان (۱۳۸۰): *جنبش‌های اسلامی معاصر*، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.
- هینس، جف (۱۳۸۱): *دین، جهانی‌شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم*، داود کیانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ولایتی، علی (۱۳۸۵): *فرهنگ و تمدن اسلامی*، تهران: پویندگان دانشگاه.
- Howarth, David (2000); *Discourse, Buckingham*, Open University Press.
- Kuper, Adam & Kuper, Jessica (1996); *The Social Science Encyclopedia*, London & New York, Routledge.
- M. Mac-luhan (1960); *Communication bias the antioch review*, PP 19-37.
- Merel, Marsel (2004); *A Fair Globalization: Creating Opportunities for All*, World Commission on the Social Dimension of Globalization, Washington DC.
- Roberso, R.(1994); *Globalization or Glocalization?*, Journal of international communication.
- Rorty, Richard (1989); *Contingency, Solidarity & Irony*, Cambridge, Cambridge University press